



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

مَقَالَات

واقعیّت غدیر خم و اهمیّت آن

مؤسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

واقعیت غدیر خم و اهمیت آن

نویسنده:

جمعی از نویسندگان

ناشر چاپی:

مؤلف

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	واقعیت غدیر خم و اهمیت آن
۶	مشخصات مقاله
۶	واقعیت غدیر خم و اهمیت آن
۱۵	واقعیه غدیر خم
۱۹	خطابه حضرت در میان جمعیت بدین گونه ایراد گردید:
۲۶	درباره مرکز

واقعیٔ غدیر خم و اہمیت آن

مشخصات مقالہ

واقعیٔ غدیر خم و اہمیت آن

مقالات

پیامبر و اہل بیت

امام علی علیہ السلام

ص: 1

واقعیٔ غدیر خم و اہمیت آن

سرتاسر حیات طیبه رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) و لحظه به لحظه آن در نزد مسلمانان دارای اهمیتی بس شگرف و والاست؛ چرا که نه تنها کلام رسول اکرم به نص صریح آیات قرآن، عاری از هرگونه هوا و هوس و متصل به سرچشمه وحی است (1)، بلکه عمل و فعل آن بزرگوار نیز بر تک تک مسلمانان حجت است و صراط مستقیم را به عالمیان می نمایاند. (2) اما در این میان، مقاطعی خاص از زندگی آن بزرگوار، به جهات گوناگون از اهمیتی ویژه برخوردار می باشد که یکی از بارزترین آنها، واقعه غدیر خم است. واقعه غدیر از ابعاد مختلف و از جهات متفاوت، دارای درخشندگی و تالائو خاصی در تاریخ اسلام است. کمتر مقطع تاریخی را می توان در جهان اسلام یافت که از لحاظ سند، اطمینان از اصل وقوع، کثرت راویان و اعتماد بزرگان و علمای مسلمین، قوت و استحکامی نظیر این رویداد مهم داشته باشد.

هنگامی که به راویان حدیث غدیر می نگریم، در مرتبه نخست نام اهل بیت گرامی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) یعنی امام علی (علیه السلام)، فاطمه زهرا (سلام الله علیها)، امام حسن (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) دیده می شود و در مرتبه بعدی نام حدود 110 تن از صحابه پیامبر اسلام (3) به چشم می خورد که در این میان، نام افرادی شاخص از میان صحابه همچون:

1- ابوبکر بن ابی قحافه

2- عمر بن الخطاب

3- عثمان بن

ص: 2

1-2.. خداوند در آیه 3 و 4 سوره نجم، این امر را ذکر می نماید و می فرماید: «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ * إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ» - «هرگز از روی هوای نفس سخن نمی گوید * آنچه می گوید، چیزی جز وحی که بر او نازل شده نیست.»

2-3.. یکی از طرقی که مسلمانان بدان وسیله می توانند به حکم الهی دست یابند، مطالعه و بررسی سنت نبوی و سیره رسول خداست؛ که از جایگاه ویژه ای در بین تمامی مسلمانان جهت دستیابی به اوامر الهی برخوردار است. این مطلب، از آیات مختلف قرآن استفاده می - گردد. به عنوان مثال، خداوند در آیه 21 سوره احزاب می فرماید: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» «مسلماً برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود، برای آنها که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد میکنند.» در این آیه، مسأله اسوه بودن رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به طور مطلق و بدون قید و شرط، از جانب پروردگار، مطرح شده است؛ لذا کلیه شئون رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) اعم از گفتار و رفتار آن بزرگوار را شامل می گردد و رفتار و گفتار ایشان در تمامی موارد، برای پیروان آن حضرت، اسوه می باشد و باید در آن امور به حضرت تأسی نمایند. (مگر آن دسته از اموری که از جانب خداوند معین گردیده است که عمل به آنها از مختصات شخص پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می باشد و تبعیت در آن امور، بر سایرین لازم نیست؛ نظیر وجوب نماز شب بر رسول خدا (صلی الله علیه و آله)).

3-4.. لفظ «صحابه» یا «صحابی» به عده ای اطلاق می گردد که لا اقل در طول عمر خویش، یک بار رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) را ملاقات نموده و از محضر پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله)، استفاده کرده باشند.

عفان

4- عایشه بنت ابی بکر

5- سلمان فارسی

6- ابوذر غفاری

7- عمار یاسر

8- زبیر بن عوام

9- عباس بن عبدالمطلب

10- ام سلمه

11- زید بن ارقم

12- جابر بن عبدالله انصاری

13- ابوهریره

14- عبدالله بن عمر بن الخطاب

و... توجه آدمی را به خود جلب می کند که تمامی آنان در محل غدیر حاضر بوده اند و حدیث غدیر را بدون واسطه نقل نموده اند. سپس در میان تابعین (1)، حدیث غدیر از 83 تن از تابعین نقل شده است که از جمله آنان می توان به:

1- اصبع بن نباته

2- سالم بن عبدالله بن عمر بن الخطاب

3- سعید بن جبیر

4- سلیم بن قیس

5- عمر بن عبدالعزیز (خلیفه اموی)

و... اشاره نمود.

پس از تابعین، در میان علمای اهل تسنن از قرن دوم تا قرن سیزدهم، 360 تن، حدیث غدیر را در آثار خویش نقل نموده اند که 3 تن از

صاحبان صحاح سته (صحاح ششگانه) (2) و دو تن از پیشوایان فقهی اهل تسنن (3) نیز در شمار این بزرگان جای دارند. (4)

در بین محدثین و علمای شیعه نیز افراد فراوانی حدیث غدیر را در کتب مختلف، روایت نموده اند، که تعداد دقیق آنان مشخص نیست. از این اندیشمندان می توان به:

1- شیخ کلینی

2- شیخ صدوق

3- شیخ مفید

4- سید مرتضی

و... اشاره نمود. (5)

بنا بر آنچه که ذکر گردید، در میان بزرگان و محدثین اهل سنت و به دنبال دقت آنان بر روی راویان و طرق متفاوت نقل حدیث غدیر، اندیشمندان بسیاری، حدیث غدیر را حدیثی حسن (6) (7) و عده کثیری روایت غدیر را روایتی صحیح (8) دانسته اند (9) و حتی نزد

ص: 3

1- 5.. «تابعین» کسانی هستند که محضر رسول خدا را درک نموده اند، اما مصاحب و همشین صحابه بوده اند.

2- 6.. ین سه تن عبارتند از: الف) ابو عیسی، محمد بن عیسی ترمذی در صحیح ترمذی ب) ابو عبدالرحمن، احمد بن شعیب نسائی در سنن نسائی ج) ابو عبدالله، محمد بن یزید قزوینی (مشهور به ابن ماجه) در سنن ابن ماجه

3- 7.. این دو تن عبارتند از: الف) ابو عبدالله، احمد بن حنبل شیبانی (پیشوای حنابله) ب) ابو عبدالله، محمد بن ادریس شافعی (پیشوای شافعیه)

4- 8.. ما در این مقاله جهت رعایت اختصار، به ذکر همین مقدار بسنده می کنیم. برای مطالعه تفصیلی در خصوص راویان حدیث غدیر در میان صحابه، تابعین و علمای اهل تسنن، به همراه مدارک و جزئیات بیشتر، می توانید به کتاب گرانقدر الغدیر، تألیف علامه امینی، جلد اول، صفحه 14-159 مراجعه نمایید. مرحوم علامه امینی پس از نقل راویان حدیث غدیر، در قسمتهای بعدی الغدیر، نام کتبی را که در میان اهل تسنن به طور مجزا در خصوص واقعه غدیر خم تألیف شده است، برمی شمرد و احتجاجات مختلفی را که در طول تاریخ بر اساس رویداد غدیر صورت گرفته (از جانب بزرگان صحابه و یا حتی برخی خلفای اموی و عباسی و...) نقل می نماید و سپس بحث دقیقی را در زمینه مفاد حدیث غدیر و سند آن، طرح می کند. در فصول و مجلدات بعدی این کتاب ارزشمند نیز علامه امینی، نام شعرای فراوانی را که در میان امت اسلامی از هنگام وقوع رویداد غدیر تا کنون، این رویداد را در ضمن اشعار خویش نقل نموده اند (به همراه ذکر آثارشان) بر می شمرد، تا هرچه بیشتر این حقیقت تبیین گردد که غدیر در میان امت اسلامی، فراموش ناشدنی است. به غیر از کتاب گرانقدر الغدیر، کتب بی شمار دیگری نیز نظیر کتاب شریف عباقات الأنوار، تألیف میر حامد حسین هندی (که دارای تفصیلی بیشتری نسبت به کتاب الغدیر در باره بحثهای مطرح شده در زمینه سند حدیث غدیر است) و فضائل الخمسة فی صحاح الستة، تألیف علامه فیروز آبادی و... موجود می باشد که به بررسی سند و دلالت این حدیث شریف در میان مسلمین پرداخته اند.

5-9.. این بزرگان در آثار متعدد خویش حدیث غدیر را نقل نموده اند که برای رعایت اختصار، تنها به ذکر یک اثر از هر کدام، که در آن اثر حدیث غدیر روایت شده است، بسنده می‌شود: الف) شیخ کلینی در کافی ب) شیخ صدوق در امالی ج) شیخ مفید در ارشاد د) سید مرتضی در شافی

6-10.. حدیث حسن، از لحاظ رتبه، در مرتبه بعد از حدیث صحیح قرار دارد و حدیثی است که رجال سند آن، ناشناخته و یا اهل غفلت، کثیر الخطا، متهم به کذب و یا فسق نباشند. (مقدمه ابن صلاح، صفحه 175)

7-11.. از جمله این بزرگان می‌توان به ابو عبدالله گنجی در کتاب کفایة الطالب و... اشاره نمود همچنین عده‌ای دیگر از علمای اهل تسنن برخی از طرق نقل حدیث غدیر را «حسن» دانسته اند و برخی از طرق دیگر را صحیح ذکر نموده‌اند، نظیر ابن حجر در کتاب تهذیب التهذیب و..

8-12.. حدیث صحیح از دیدگاه اهل سنت، حدیثی است که دارای سندی متصل و بدون انقطاع تا رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) و یا شخص دیگری که حدیث از او نقل می‌گردد)، باشد و تک تک راویان آن عادل محسوب شوند و همچنین حدیث دیگری نتوان یافت که دارای مفهومی بر خلاف آن باشد و به طور کلی هیچ گونه عیب و نقصی در آن یافت نشود. (مقدمه ابن صلاح)

9-13.. در این میان می‌توان به بزرگانی همچون ابوعیسی ترمذی در صحیح ترمذی (جلد 5، باب 20) (باب مناقب علی بن ابیطالب)، ذیل حدیث 3713) - ابوعبدالله حاکم نیشابوری در مستدرک صحیحین، طبری (بر طبق نقل ذهبی در تذکرة الحفاظ، جلد 2، صفحه 713، شماره 728) - شمس الدین ذهبی در کتابی که به طور مجزا درباره حدیث غدیر تألیف نموده است (و همچنین بنا بر نقل ابن کثیر در البدایة و النهایة، جلد 5، صفحه 228-229 که درباره یکی از طرق نقل حدیث غدیر می‌گوید: قال شیخنا ابوعبدالله ذهبی و هذا حدیث صحیح - شیخ ما ابوعبدالله ذهبی گوید که این حدیث، حدیثی صحیح است.) - ابوالحسن مغازلی در کتاب مناقب به نقل از استادش - ابن حجر هیثمی در صواعق المحرقة (صفحه 43) - ابن عبد البر در الاستیعاب و... اشاره نمود که همگی حدیث غدیر را حدیثی «صحیح» برشمرده اند.

عده ای از بزرگترین صاحب نظران اهل تسنن، با توجه به شمار فراوان روایان و طرق متعدد نقل حدیث، که روایت غدیر دارد، آنرا حدیثی متواتر (1) ذکر نموده اند. (2) علما، بزرگان و محدثین شیعه نیز بالاتفاق، غدیر را حدیثی متواتراتر می دانند. (3) (4)

بر این اساس و بر طبق آنچه که گذشت، به خوبی آشکار می گردد یکی از مهمترین وقایع تاریخ پرفراز و نشیب اسلام که در بین عامه مسلمانان، واقعه ای مسلم، پذیرفته شده و قطعی تلقی می گردد، واقعه غدیر خم است.

از منظری دیگر، آنچه که بر گونه غدیر، رنگ جاودانگی می زند؛ و اهمیت این واقعه را مضاعف می گرداند، نزول 2 آیه از قرآن کریم، یکی آیه 67 سوره مائده (5) و دیگری آیه 3 سوره مائده، (6) در ارتباط با این رویداد بزرگ است که بر طبق نظر مفسران نام آور شیعه و سنی، شأن نزول این آیات، مربوط به واقعه غدیر خم می باشد. (7) (8) هنگامی که کمی بیشتر در مقایسه مفاد این آیات و لحن آنها با سایر آیات قرآن کریم می اندیشیم، درمی یابیم اگر نگوئیم چنین آهنگ کلامی در میان سایر آیات بی نظیر است، لااقل کمتر آیه ای را می توان یافت که مضامین و لحنی شبیه به این دو آیه داشته باشد. طبیعی است هر مسلمان هنگامی که در تلاوت قرآن بدین دو آیه می رسد، شگفت زده از خویش بپرسد این چه امر خطیری است که عدم ابلاغ آن توسط پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، زحمات 23 ساله آن حضرت را تباه می گرداند و در این صورت نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) هرگز رسالت خویش را به

ص: 4

1- 14.. حدیث متواتر از دیدگاه علم حدیث، به حدیثی گفته می شود که به علت کثرت نقل و طرق متعددی که روایت شده است، احتمال خدشه دار بودن آن و تبانی بین روایان مختلف بر سر جعل حدیث، از نظر عادی محال باشد. بنابراین حدیث متواتر حدیثی است که قطعاً از جانب رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) و یا سایرین، صادر شده است. (تهانوی در قواعد فی علوم الحدیث، صفحه 32 و 33) 2- 15.. در میان قدما و علمای سلف اهل تسنن، بزرگانی همچون ذهبی (بر طبق نقل ابن کثیر در البداية و النهایة، جلد 5، صفحه 233، ذیل یکی دیگر از طرق نقل حدیث غدیر) - جلال الدین سیوطی - شمس الدین جرزی شافعی در کتاب اَسْنَى الْمَطَالِبِ... و در میان معاصرین، اشخاصی همچون ضیاء الدین مُقْبَلِی در کتاب الابحاث المسددة فی الفنون المتعددة، شهاب الدین ابوالفیض حَضَرَمِی در کتاب تشنیف الآذان و...، حدیث غدیر را حدیثی «متواتر» دانسته اند.

3- 16.. از این میان می توان به عنوان نمونه به بزرگانی نظیر: خواجه نصیر الدین طوسی در تجرید الاعتقاد (مقصد خامس، فی الإمامة، صفحه 226) - شیخ طوسی در تلخیص الشافی (جلد 2، صفحه 168) - علامه حلی در مناهج الیقین (صفحه 475) اشاره نمود. به عنوان مثال، عبارت شیخ طوسی در کتاب تلخیص الشافی اینگونه است: «فإن الشيعة قاطبة تنقله و تواتر به؛ شیعیان همگی، آن را نقل کرده و متواتر برشمرده اند.»

4- 17.. باید توجه داشت که طرق متعدد و روایان مختلفی که هم اکنون برای حدیث غدیر در کتب گوناگون مسلمین موجود می باشد با وجود کثرت کم نظیر آن، تمامی طرق نقل حدیث غدیر نمی باشند و شواهد مختلف تاریخی بیانگر این مطلب است که بسیاری از طرق نقل حدیث غدیر و همچنین نام برخی دیگر از روایان آن در طول تاریخ، خواسته یا ناخواسته از بین رفته است و ما هم اکنون به آنها دسترسی نداریم. به عنوان مثال، سلیمان حنفی از علمای اهل تسنن در کتاب ینابیع الموده (جلد 1، صفحه 34) از ابی المعالی جوینی (ملقب به امام الحرمین و استاد ابو حامد غزالی) نقل می کند که او می گفت: در بغداد، کتابی را در دست صحافی مشاهده نمودم که در آن طرق مختلف نقل حدیث غدیر ذکر شده بود و بر روی آن نوشته شده بود که جلد 28 از طرق نقل این گفتار رسول اکرم (صلی الله علیه و آله): «من كنت مولاة فعلى مولاة»، و در پس آن مجلد 29 آن نیز موجود بود. و یا ابن کثیر (از علمای اهل تسنن در قرن 8)، در البداية و

النهاية (جلد 5، صفحه 227) نقل می‌کند که طبری (از علمای بزرگ قرن 4، مورخ صاحب نام اهل تسنن و صاحب تاریخ و تفسیر طبری) نسبت به این حدیث توجه داشت و 2 جلد کتاب مجزا در زمینه طرق نقل حدیث غدیر و الفاظ آن تألیف نمود. (که در حال حاضر به هیچ یک از این دو کتاب، دسترسی نیست).

5-18.. «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِي مُنَ النَّاسِ» «ای پیامبر، آنچه را از ناحیه پروردگارت به تو نازل شد، ابلاغ کن (و برسان) و اگر انجام ندهی (نرسانی)، اصلاً پیغام پروردگار را نرساندی و خدا تو را از (شر) مردم، نگه می‌دارد.»

6-19.. «...أَلْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا...» «... امروزست که دین شما را کامل نمودم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و دین اسلام را برای شما پسندیدم...»

7-20.. در بین مفسرین و علمای اهل تسنن به عنوان نمونه، می‌توان به افرادی نظیر: محمد بن جریر طبری در کتاب الولاية، ابوالحسن واحدی نیشابوری در اسباب النزول، حاکم حسکانی در شواهد التنزیل و...، و در بین مفسرین شیعه می‌توان به عنوان نمونه به بزرگانی همچون شیخ طوسی در تبیان، ثقة الاسلام طبرسی در مجمع البیان، علامه طباطبائی در المیزان و... اشاره نمود که شأن نزول آیه 67 سوره مائده (آیه تبلیغ) را درباره واقعه غدیر ذکر نموده‌اند.

8-21.. در میان مفسرین شیعی، می‌توان به عنوان نمونه به بزرگانی همچون شیخ طوسی در تبیان، ثقة الاسلام طبرسی در مجمع البیان، علامه طباطبائی در المیزان و... و در بین علمای اهل تسنن، می‌توان به عنوان نمونه به افرادی نظیر: محمد بن جریر طبری در کتاب الولاية - حاکم حسکانی در شواهد التنزیل - خطیب بغدادی در تاریخش (جلد 8، صفحه 290) - حموینی در فرائد السمطين و... اشاره نمود که شأن نزول این فراز از آیه 3 سوره مائده (آیه اکمال) را درباره واقعه غدیر ذکر نموده‌اند.

مردم نرسانده و وظیفه پیامبری را بجای نیاورده است؟ واقعاً این چه پیامی است که خداوند متعال به پیامبر خویش وعده داده است تا او را در زمینه ابلاغ آن، حافظ و نگهدار باشد؟ به علاوه، مگر این موضوع چه اهمیتی دارد که ابلاغ این پیام به امت و پیروی مردم از آن، سبب کامل شدن دین و تمام شدن نعمت و رضایت پروردگار می گردد؟

پس دیگر جای هیچ تردیدی باقی نمی ماند که روز نزول و ابلاغ این امر مهم و خطیر که بدین واسطه، روز اکمال دین و رضایت پروردگار محسوب می گردد، دارای اهمیت بسزایی در میان مسلمین خواهد بود. (1)

از آنچه که گذشت، مشخص می گردد علاوه بر مورخان که به تناسب فن خویش (و البته به دلیل اثرات و نتایجی که بر پایه این مطالعه بنا می گردد)، به واقعه غدیر نگاهی موشکافانه دارند، (2) غدیر از آن جهت که حدیثی قطعی و متواتر است و کار یک محدث، شناسایی احادیث معتبر و دقت بر روی مفاهیم آنهاست، مورد توجه محدثین است (3) و دارای جایگاهی ویژه در کتب مختلف حدیث می باشد. به خاطر نزول 2 آیه ویژه از قرآن کریم درباره این واقعه که القاکننده مفهومی منحصر بفرد و دارای لحنی کم نظیر در میان سایر آیات است، غدیر منشأ بحث های گوناگونی در کتب تفسیری می باشد. (4) با تکیه بر مفاهیم این آیات و اثرات شگرف اعتقادی مترتب بر آن، این واقعه منظور نظر مخصوص متکلمان واقع گشته است. (5) حتی لغویین نیز توجه خاص خویش را به این رویداد مهم معطوف داشته اند و به هنگام شرح و توضیح کلمه غدیر خم (که نام

ص: 5

-
- 1- 22.. بحث و بررسی بیشتر بر روی مفاهیم این دو آیه به طور مجزا در قسمت امامت در قرآن، طرح خواهد شد.
- 2- 23.. در میان این مورخان و از بین مورخان صاحب نام اهل تسنن می توان به: مسعودی در مروج الذهب - بلاذری در انساب الأشراف - ابن عساکر در تاریخش - خطیب بغدادی در تاریخش - ذهبی در تذکرة الحفاظ - ابن اثیر در أسد الغابة - سیوطی در تاریخ الخلفاء - شهرستانی در ملل و نحل و... اشاره نمود. در بین مورخان شیعه نیز می توان به عنوان نمونه به اشخاصی همچون یعقوبی در تاریخش، شیخ مفید در ارشاد، طبرسی در إعلام الوری و... اشاره نمود.
- 3- 24.. در بین محدثان فراوانی که حدیث غدیر را در آثار خویش نقل نموده اند و در میان اهل تسنن می توان به عنوان نمونه به محدثینی نظیر: ابن ماجه در سنن خویش - ترمذی در صحیحش - نسائی در سنن الکبری - امام شافعیه ابو عبدالله محمد بن ادریس شافعی (بر طبق نقل ابن اثیر در کتاب نهاییه، جلد 5، صفحه 228) - امام حنبله احمد بن حنبل در مسند و همچنین در کتاب مناقب، اشاره نمود. در بین عده فراوان محدثین شیعه که این حدیث را در کتب روایی خویش نقل نموده اند نیز نام بزرگانی همچون شیخ صدوق در کتاب امالی - شیخ کلینی در کتاب کافی - شیخ طوسی در امالی و... به چشم می خورد.
- 4- 25.. در میان مفسرین متعدد اهل تسنن که به تناسب آیات قرآن کریم (اعم از شأن نزول آیات و یا به هنگام تفسیر آنها) به بررسی واقعه غدیر پرداخته اند، می توان به بزرگانی نظیر طبری - واحدی در اسباب النزول - فخر رازی در التفسیر الکبیر - قرطبی - سیوطی در الدرالمثور و... اشاره نمود و در بین خیل فراوان مفسرین شیعه نیز که غدیر را در کتب تفسیری خویش نقل نموده اند، می توان از شیخ طوسی در تبيان - طبرسی در مجمع البیان - علامه طباطبائی در المیزان و... یاد نمود.
- 5- 26.. در میان متکلمین اهل تسنن که به تناسب مباحث مطرح شده در علم کلام، ناگزیر، به بررسی واقعه غدیر پرداخته اند، می توان به سید شریف جرجانی در شرح مواقف - سیوطی در کتاب اربعینش - آلوسی در نثر اللئالی - تفتازانی در شرح مقاصد - قوشجی در شرح تجرید و... اشاره نمود. متکلمین شیعه نیز نظیر خواجه نصیر الدین طوسی در متن تجرید الاعتقاد - علامه حلی در شرح تجرید الاعتقاد

- سید مرتضی در الشافی - شیخ طوسی در تلخیص الشافی و... در کتب کلامی ذکر شده به بررسی این واقعه مهم پرداخته‌اند.

محللی است)، به اصل این رویداد اشاره نموده اند. (1) ادیبان و شعرای بسیاری در میان امت اسلامی در طول 14 قرن، از همان لحظه وقوع و در همان صحنه گرفته تا روزگار معاصر، همواره این واقعه بزرگ را در آثار و اشعار خویش، توصیف و تشریح نموده اند. (2)

آنچه که تاکنون ذکر شد، گوشه ای از اهمیت رویداد غدیر خم بود که در حد گنجایش این مقاله، به آن اشاره گردید. ما در این مجال به دنبال جستجو و تحقیق درباره این رویداد بزرگ اسلامی و این بُرهه از حیات رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) می باشیم تا هرچه بیشتر و البته با رعایت اختصار، بتوانیم زوایای گوناگون آن را بررسی نماییم. لذا در ادامه، ابتدا اصل واقعه را به گونه ای که در بین مسلمین مشهور و مورد اتفاق است، نقل نموده، سپس به بررسی مفاد حدیث غدیر می پردازیم و بر روی مفاهیم آن، هرچه بیشتر تأمل می نماییم و در انتها نیز نتایجی را که به دنبال واقعه غدیر جلوه گر می گردد و مستلزم توجه ویژه مسلمانان می باشد، بر می شماریم.

واقعه غدیر خم

پیامبر اکرم بنا بر امر الهی، در سال دهم هجرت تصمیم به زیارت خانه خدا و بجا آوردن حج نمودند؛ لذا مردم را از این امر مطلع کردند (3) و حتی برای آگاه نمودن اهالی مناطق مختلف، قاصدانی را به آن شهرها گسیل داشتند. فرستادگان حضرت نیز همانگونه که وجود مقدس رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) خود اعلام نموده بودند، این پیام را به مردم رساندند که این آخرین حج رسول خداست و این سفر دارای اهمیت فراوانی است. هر کس که

ص: 6

1- 27.. در میان لغویین و علمای لغت که در کتب خویش متذکر واقعه غدیر شده‌اند، می‌توان به ابن اثیر در نهایة، حموی در معجم البلدان، زبیدی حنفی در تاج العروس و... اشاره نمود.

2- 28.. شعرای بسیار فراوانی در طول 14 قرن گذشته در میان سایر فرق اسلامی، واقعه غدیر را در اشعار خویش، متضمن شده‌اند و کمتر رویدادی در میان شعرا این چنین بازتاب گسترده‌ای داشته است. در این بین می‌توان به افرادی همچون حسّان بن ثابت، عمرو عاص، کمیت بن زید اسدی، سید حمیری، دعبل بن علی خزاعی و... اشاره کرد.

3- 29.. مدارک اهل تسنن: تاریخ اسلام ذهبی، بخش مغازی، صفحه 701 - المنتظم، جلد 4، صفحه 5 - سیره حلبیه، جلد 3، صفحه 308. مدارک شیعه: ارشاد، صفحه 91 - إعلام الوری، صفحه 137.

توانایی و استطاعت آن را دارد، بر او لازم است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) را در این سفر همراهی نماید. گرچه رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) با همراهی عده ای از اصحاب خویش پیش از این، اعمال عمره مفرده را انجام داده بودند، (1) اما این نخستین بار و تنها مرتبه ای در طول حیات طیبه پیامبر اسلام بود که بنا بر امر الهی، حضرت تصمیم به به جای آوردن و تعلیم مناسک حج گرفتند. پس از این اعلام، جمعیت کثیری در مدینه جهت همراهی با رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و بجای آوردن اعمال حج، مجتمع گشتند. مورخان و صاحب نظران از این سفر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) با عنوان حجة الوداع (2)، حجة الاسلام، حجة البلاغ (3)، حجة الکمال و حجة التمام (4) یاد می نمایند.

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) با پای پیاده و در حالی که غسل نموده بودند، در روز شنبه 24 یا 25 ذیقعده به همراه همراهان خود و اهل بیت گرامیشان و عامه مهاجرین و انصار و جمعیت کثیری که گرداگرد حضرت اجتماع کرده بودند، به قصد بجای آوردن مناسک حج از مدینه خارج گشتند. تعداد جمعیتی که به همراه حضرت از مدینه خارج شده بودند را بین 70000 تا 120000 (و حتی برخی بیشتر از 120000) نقل نموده اند؛ (5) اما افراد بسیاری به غیر از این عده، نظیر اشخاصی که در مکه مقیم بودند و یا اشخاصی که از شهرهای دیگر خود به مکه آمده و در آنجا به حضرت ملحق شدند، به همراه پیامبر و با اقتدای به ایشان مناسک حج را

ص: 7

- 1-30.. یکی از این سفرها، یک سال پس از صلح حدیبیه - که میان مسلمین و مشرکان مکه روی داد - واقع شد.
- 2-31.. نامگذاری این سفر به حجة الوداع، از آن جهت است که این سفر حج، آخرین سفر حج رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) در طول عمر پربرکتشان بوده است و همانگونه که پیامبر خود نیز اعلام نموده بودند، پس از این سفر (حدود 2 ماه و نیم بعد)، روح والای رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از جسم خاکی مفارقت نمود و در اعلیٰ علین مأوا گرفت.
- 3-32.. ظاهراً این نامگذاری به علت نزول آیه تبلیغ (آیه 67 سوره مائده) در پایان این سفر و در جریان واقعه غدیر خم بوده است.
- 4-33.. اینگونه به نظر می آید که تناسب این نامگذاری به جهت مفاد آن فراز از آیه 3 سوره مائده می باشد که در انتهای این سفر و در محل غدیر خم، بر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نازل گردید.
- 5-34.. مدارک اهل تسنن: تذکرة خواص الأمة، صفحه 30 - سیره حلبیه، جلد 3، صفحه 308 - سیره احمد زینی دحلان، جلد 3، صفحه 3. مدارک شیعه: احتجاج طبرسی، جلد 1، صفحه 56 (طبرسی تعداد همراهان رسول خدا را 70'000 یا بیشتر ذکر می نماید).

در این سفر بجای آورده و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را همراهی نمودند. امام علی، پیش از تصمیم پیامبر برای بجای آوردن مناسک حج، از طرف ایشان برای تبلیغ اسلام و نشر معارف الهی به یمن فرستاده شده بودند؛ اما هنگامی که از تصمیم پیامبر برای سفر حج و لزوم همراهی سایر مسلمین با آن حضرت در این سفر، آگاه گشتند، به همراه عده ای از یمن به سمت مکه حرکت نمودند و در آنجا پیش از آغاز مناسک، به رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) ملحق شدند. (1)

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و همراهیان آن حضرت، در میقات مسجد شجره مُحرم گشتند و بدین ترتیب اعمال حج را آغاز نمودند. گرچه اصول و کلیات مناسک حج قبلاً و به هنگام نزول آیات مربوطه، توسط رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) توضیح داده شده بود، اما در این سفر، پیامبر این اعمال را به طور عملی برای مردم آموزش داده و جزئیات را برای آنان تبیین نمودند و در مواقع گوناگون، با ایراد خطابه، مردم را نسبت به سایر تکالیف الهی و وظایف شرعیشان آگاهی بخشیدند.

سرانجام اعمال حج، پایان یافت و پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به همراه جمعیت کثیری که ایشان را همراهی می نمودند، شهر مکه را ترک نمودند و رهسپار مدینه شدند که در بین راه به محل غدیر خم رسیدند.

غدیر در لغت به معنای آبریز و مسیل، (2) و غدیر خم در جغرافیا، نام محلی است که به خاطر وجود برکه ای در این محل، که در آن آب باران جمع می شده است، به این

ص: 8

1-35.. مدارک اهل تسنن: صحیح بخاری، جلد 2، باب 81، حدیث 2، صفحه 159 و جلد 3، کتاب العمرة، باب عمرة التعميم، صفحه 4 - صحیح مسلم، جلد 4، باب اهللال النبی و هدیة، حدیث اول، صفحه 59 - البداية و النهایة، جلد 5، صفحه 227 - سیره حلبیه، جلد 3، صفحات 318 و 319 و 336. مدارک شیعه: ارشاد، صفحه 92 - إعلام الوری، صفحه 138.

2-36.. لسان العرب، ریشه غدر، ذیل کلمه الغدیر.

نام (غدیر خم) شهرت یافته است. غدیر در 3 - 4 کیلومتری جحفه واقع شده و جحفه در 64 کیلومتری مکه قرار دارد که یکی از میقات های پنجگانه می باشد. در جحفه راه اهالی مصر، مدینه، عراق و شام از یکدیگر جدا می شود. (1) غدیر خم به علت وجود مقداری آب و چندین درخت کهنسال، محل توقف و استراحت کاروانیان واقع می شد اما دارای گرمایی طاقت فرسا و شدید بود. (2)

هنگامی که رسول اکرم در روز 5 شنبه 18 ذی الحجه به وادی غدیر خم رسیدند و پیش از جدایی اهالی شام، مصر و عراق از میان جمعیت، جبرئیل امین از جانب خداوند بر ایشان نازل گردید و آیه: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ» (3) را نازل نمود و از جانب حق تعالی، رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) را امر نمود تا حکم آنچه را که در قبل بر پیامبر درباره امام علی نازل گشته بود، به مردم ابلاغ نمایند. در این هنگام، پیشتازان کاروان و افرادی که جلوتر حرکت می نمودند، حوالی جحفه رسیده بودند. رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) پس از نزول آیه، دستور توقف کاروانیان را صادر نمودند و امر فرمودند تا آنانی که پیشاپیش حرکت می نمودند، به محل غدیر بازگردند و افرادی که در پس قافله، عقب مانده بودند، سریعتر به کاروان در این وادی، ملحق شوند. (4) همچنین به چند تن از صحابه دستور دادند تا فضای زیر چند درخت کهنسال را که در آن محل قرار داشتند، آماده نمایند؛ خارها را از زمین برکنند و

ص: 9

1-37.. معجم البلدان، ذیل کلمه جحفه.

2-38.. ابن خلکان در وفیات الاعیان (جلد 5، صفحه 231) از حازمی نقل می نماید: «و هذا الوادی موصوف بکثرة الوخامة و شدة الحر» «این وادی، به هیچ وجه قابل سکونت نبوده و هوای آن شدیداً گرم می باشد.»

3-39.. «ای پیامبر، آنچه را از ناحیه پروردگارت به تو نازل شد، ابلاغ کن (و برسان) و اگر انجام ندهی (نرسانی) اصلاً پیغام پروردگار را نرسانی و خدا تو را از (شر) مردم، نگه می دارد.»

4-40.. خصائص نسائی، صفحه 25 (رد من تبعه و لحقه من تخلف).

سنگ های ناهموار موجود در زیر آن درختان را جمع آوری نمایند. در این هنگام، زمان به جای آوردن نماز ظهر فرارسید و رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) فریضه ظهر را در گرمای شدید. (1) (2) به همراه جمعیت کثیر حاضر، ادا نمودند. شدت گرما در وادی غدیر به حدی بود که اشخاص، گوشه ای از ردا و لباس خویش را برای در امان بودن از شدت تابش آفتاب، بر سر می افکندند و مقداری از آنرا برای کاستن از شدت گرمای شن ها و سنگ ها، در زیر پای خویش می گسترند. (3) برای رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نیز پارچه ای بر روی شاخسار آن درختان کهن افکندند تا مانعی در برابر حرارت موجود و تابش خورشید، ایجاد نمایند. هنگامی که حضرت از نماز فارغ گشت، از جهاز شتران، در همان محلی که به فرمان رسول خدا توسط صحابه آماده شده بود، منبری ساختند و وجود مقدس پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) بر فراز آن در آمدند و شروع به ایراد خطبه، با صدایی بلند و رسا نمودند؛ در حالی که جمعیت فراوان همراه پیامبر، بر گرداگرد حضرت جمع گشته بودند و به سخنان نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) گوش فرا می دادند و برخی از افراد نیز برای آنکه همگان از کلام رسول خدا (صلی الله علیه و آله) مطلع گردند، سخنان آن حضرت را با صدایی بلند برای افرادی که دورتر قرار داشتند، تکرار می نمودند.

خطابه حضرت در میان جمعیت بدین گونه ایراد گردید:

«حمد و ستایش مخصوص خداوند است و از او یاری می خواهیم و به او ایمان داریم و از شرور

ص: 10

1- 41.. مدارک اهل تسنن: مسند احمد، جلد 4، صفحه 372 - معجم الکبیر جلد 5، صفحه 202 و 203، حدیث 5092 - البداية و النهاية، جلد 4، صفحه 385.

2- 42.. در لفظ عربی حدیث این گونه ذکر گردیده است که: «فصلاها بهجیر». کلمه هجیر بر طبق نقل ابن اثیر در کتاب «النهاية» (جلد 5، صفحه 246)، به معنای شدت یافتن گرما در هنگام ظهر است (الهجیر و الهجارة: اشتداد الحر نصف النهار)، در نتیجه معنای این سخن آن می گردد که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در شرایطی به همراه سایر مسلمانان نماز جماعت بجای آوردند که هوا به شدت گرم بود؛ همچنین حاکم نیشابوری در «مستدرک صحیحین» (جلد 3، صفحه 533) و طبرانی در «معجم الکبیر» (جلد 5، صفحه 171، حدیث 4986)، از قول یکی از راویان حدیث غدیر نقل می نمایند که هیچ روزی از لحاظ گرما، شدیدتر از روز غدیر بر ما نگذشته بود (ما أتى علينا يوماً كان أشدَّ حرّاً منه). همانطور که مشخص گشت، گرمای هوا در سرزمین غدیر و به هنگام توقف مسلمین به امر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بسیار طاقت فرسا و شدید بوده است، بنا بر این یقیناً توقف کاروانیان در چنان شرایط جوی نامناسب، به فرمان الهی و ابلاغ رسول اکرم (صلی الله علیه و آله)، برای ابلاغ امری بسیار حیاتی، حساس و خطیر به مردم صورت گرفته است.

3- 43.. مدارک اهل تسنن: ابن مغزلی در مناقب، صفحه 17 - شرح مقاصد تفتازانی، جلد 5، صفحه 273. مدارک شیعه: ارشاد، صفحه 94 و 93 - اعلام الوری، صفحه 139 (و کان یوماً قاطئاً شدید الحرّ...، ان اکثرهم لیلّف ردائه تحت قدمیه من شدّة الرمضاء) - کشف الغمة، جلد 1، صفحه 48 - کشف الیقین، صفحه 241 (و کان اکثرهم یشدّ الرداء علی قدمیه من شدّة الحرّ).

نفس هایمان وزشتی های کردارمان، به او پناه می‌بریم؛ خداوندی که هدایتگری وجود ندارد برای کسانی که گمراهشان نماید و گمراه کننده ای وجود ندارد برای اشخاصی که او هدایتشان نماید و شهادت می‌دهم که جز خدا، معبودی نیست و محمد (صلی الله علیه و آله) بنده و فرستاده اوست و اما بعد؛ ای مردم، خداوند لطیف و خبیر (دارای لطف فراوان و بسیار آگاه) مرا خبر داد که من به زودی (به سوی او) فرا خوانده می‌شوم و (دعوت او را) اجابت خواهم نمود. (1) من مسئول هستم و شما نیز مسئولید. پس (درباره دعوت و مسئولیت من) چه می‌گویید؟»

حاضران در پاسخ گفتند: «شهادت می‌دهیم که دعوت خویش را ابلاغ نمودی و نصیحت کردی و کوشش نمودی، پس خداوند شما را جزای خیر دهد.» (2)

سپس رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «آیا شهادت نمی‌دهید که معبودی جز خدا نیست و محمد (صلی الله علیه و آله) بنده و فرستاده اوست؟ و (آیا شهادت نمی‌دهید که) بهشت و دوزخ خداوند، حق است و مرگ، حق است و قیامت می‌آید و در آن شکی نیست و خداوند کسانی را که در قبرها هستند مبعوث می‌گرداند؟»

حاضران گفتند: «بله ای رسول خدا، شهادت می‌دهیم.»

سپس در ادامه، رسول اکرم خداوند را بر این امر شاهد گرفتند و از مردم پرسیدند: «آیا (کلام مرا) می‌شنوید؟»

حاضرین گفتند: «بله یا رسول الله.» (3)

پس حضرت فرمودند: «من پیش از شما در کنار حوض (کوثر) حاضر می‌گردم و شما در کنار آن بر من وارد می‌گردید و عرض آن

ص: 11

1-44.. مدارک اهل تسنن: مستدرک صحیحین، جلد 3، صفحه 533 - خصائص نسائی، صفحه 28 (با اندکی اختلاف در لفظ) - کنز العمال، جلد 1، صفحه 187، حدیث 953 و... (کافی قد دعیت فاجبت). مدارک شیعه: خصال، جلد 1، صفحه 66 - ارشاد، صفحه 94 (با اندکی اختلاف در عبارت) (اتی قد دعیت و یوشک أن أجیب) - إعلام الوری، صفحه 139.

2-45.. مدارک اهل تسنن: صواعق المحرقة، صفحه 43 - سیره حلبیه، جلد 3، صفحه 336 - کنز العمال، جلد 5، صفحه 289، حدیث 12911. مدارک شیعه: خصال، جلد 1، صفحه 66 - کشف الغمّة، جلد 1، صفحه 49 و 48 (با اندکی اضافات در عبارت).

3-46.. مدارک اهل تسنن: مجمع الزوائد، جلد 9، صفحه 104 و 163 - ابن طلحه شافعی در مطالب السؤل، صفحه 16.

به اندازه فاصله مابین بصری (شهری در حوالی شام) و صنعا (شهری در یمن) می‌باشد. در آن قدح هایی به تعداد ستارگان، از جنس نقره است؛ پس بنگرید که پس از من چگونه درباره تقلین (دو شیء گرانبها) رفتار می‌نمایید.»

در این هنگام فردی ندا داد که «تقلین چه هستند ای رسول خدا؟»

رسول اکرم فرمودند: «ثقل اکبر کتاب خداست. جانبی از آن به دست خداوند و جانب دیگر آن در دستان شماست. پس به آن متمسک شوید. (آنها گرفته و از هدایت آن بهره برید.) که اگر به آن تمسک جویند، گمراه نمی‌شوید و ثقل دیگر و کوچکتر، عترت من هستند. خداوند لطیف خبیر مرا خبر داد که این دو ثقل تا هنگامی که در کنار حوض بر من وارد شوند، از یکدیگر جدا نمی‌گردند (1) و من این را از پروردگار مسئلت نموده‌ام. پس، از این دو پیشی نگیرید که هلاک می‌گردید و از این دو، باز نمانید که هلاک می‌شوید. (2)»

سپس رسول خدا، دست امام علی را بلند نمود تا همه مردم، ایشان را در کنار رسول خدا مشاهده نمودند. (3) در این هنگام رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) از حاضرین پرسیدند: «ای مردم، آیا من از خود شما، بر شما اولی و مقدم‌تر نیستم؟» (4) (5)

مردم پاسخ دادند: «بله، ای رسول خدا.» (6)

حضرت در ادامه فرمودند: «خداوند ولی من است و من ولی مؤمنین هستم و من نسبت به آنان از خودشان اولی و مقدم می‌باشم.» (7)

آنگاه فرمودند: «پس هر کس که من مولای او هستم، علی مولای اوست.» (8)، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) سه بار این جمله را

ص: 12

1- 47.. مدارک اهل تسنن: مستدرک صحیحین، جلد 3، صفحه 109 (با اندکی اختلاف در لفظ) - خصائص نسائی، صفحه 21 (نقل با اختصار) - صحیح مسلم، جلد 7، باب فضائل علی بن ابیطالب، صفحه 123 و 122 (با اندکی اختلاف در لفظ) - معجم الکبیر، جلد 5، صفحه 167 و 166 (حدیث شماره 4971) - کنز العمال، جلد 1، صفحه 189 و 188، حدیث 958. مدارک شیعه: خصال، جلد 1، صفحه 67 و 66 (با اندکی اختلاف در عبارت) - کشف الغمّة، جلد 1، صفحه 50 و 49 (با اندکی اختلاف در عبارت).

2- 48.. مدارک اهل تسنن: مجمع الزوائد، جلد 9، صفحه 162 و 163 - معجم الکبیر جلد 5، صفحه 167 (حدیث شماره 4971).
3- 49.. مدارک اهل تسنن: شواهد التنزیل، جلد 1، صفحه 190 (حتی رثی بیاض ابطیه) - خصائص نسائی، صفحه 21 (انه ما کان فی الدوحات احد الاّ راه بعینه و سمعه باذنه) - معجم الکبیر، جلد 5، صفحه 166 (حدیث شماره 4969)، (ما کان فی الدوحات احد الاّ قد راه بعینه و سمعه باذنه) - کنز العمال، جلد 13، صفحه 104، حدیث 36340: (ما کان فی الدوحات احد الاّ قد راه بعینه و سمعه باذنه). مدارک شیعه: ارشاد، صفحه 94 (پیامبر دو دست امیر المؤمنین را بلند نمود) - إعلام الوری، صفحه 139 - امالی شیخ طوسی، صفحه 247 - خصال، جلد 1، صفحه 311.

4- 50.. مفهوم این گفتار نبوی اشاره به آیه 6 سوره احزاب دارد که در آن خداوند می‌فرماید: «التَّيْبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ...» «پیامبر نسبت به مؤمنین، از خودشان سزاوارتر و مقدم‌تر است.» معنای اولویت پیامبر بر مؤمنین نسبت به جان‌های آنان را می‌توان بر اساس قرآن کریم و تعالیم معصومین به خوبی دریافت. پروردگار متعال در قرآن مجید آیه 36 سوره احزاب می‌فرماید: «وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُمَدِّنَةٍ إِذَا قَضَىٰ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ...» «هیچ مرد و زن با ایمانی حق ندارد هنگامی که خدا و پیامبرش امری را لازم بدانند، اختیاری (در برابر فرمان خدا) داشته باشد.» بنابراین، چون اوامر الهی و احکام و دستورات نبوی، مبری از هرگونه انحراف و

نادرستی است (به علت کمال محض ذات خداوند و مقام عصمت رسول خدا)، و حق محض می‌باشد، لذا نه تنها مؤمنین مأمور به اطاعت همه جانبه از آن می‌باشند، بلکه در برابر آن حتی نباید فکر مخالفت بکنند و یا از حکم خدا و رسول احساس ناخشنودی نمایند؛ بدان معنا که وقتی خداوند و رسول اکرم درباره چیزی، حکمی نمودند، دیگر در آن زمینه، اراده مؤمنین، خواسته‌ها، علائق و تمایلات نفسانی آنان جایی برای بروز و ظهور نخواهد داشت و حکم الهی و فرامین نبوی، نسبت به اراده، خواسته‌ها و تمایلات درونی آدمی، مقدم تر و برای اجرا گشتن، سزاوارتر می‌باشد؛ چرا که قطعاً و به طور یقین آدمی را به صراط مستقیم و حق مطلق راهنمایی می‌سازد و از پیمودن مسیر باطل باز می‌دارد. مفهوم اولویت خداوند و رسول او بر مؤمنین نسبت به جانهایشان نیز همین است.

5- 51.. مدارک اهل تسنن: صحیح ابن ماجه، باب فضائل اصحاب رسول خدا، باب فضائل علی بن ابیطالب، جلد 1، صفحه 43، حدیث 116 - مسند احمد، جلد 4، صفحه 281 (ألستم تعلمون أني أولى بالمؤمنين من أنفسهم) - مستدرک صحیحین، جلد 3، صفحه 110 - ذهبی در تاریخ الاسلام، قسمت عهد خلفا، صفحات 628 و 631 و 632 (با اندکی اختلاف در لفظ) - البداية و النهاية، جلد 7، صفحه 386 - مجمع الزوائد، جلد 9، صفحه 104. مدارک شیعه: ارشاد، صفحه 94 (با اندکی اختلاف در عبارت) (ألست أولى بكم منكم بأنفسكم) - إعلام الوری، صفحه 139 (با اندکی اختلاف در عبارت) - خصال، جلد 1، صفحه 311 - تلخیص الشافی، جلد 2، صفحه 167 (ألست أولى بكم منكم بأنفسكم) - أمالی شیخ طوسی، صفحه 247 (ألست أولى بالمؤمنين من أنفسهم).

6- 52.. مدارک اهل تسنن: صحیح ابن ماجه، باب فضائل اصحاب رسول خدا، باب فضائل علی بن ابیطالب، جلد 1، صفحه 43، (حدیث شماره 116) - مسند احمد، جلد 4، صفحه 281 و... - تاریخ اسلام ذهبی، قسمت عهد خلفا، صفحه 632 - البداية و النهاية، جلد 7، صفحه 386 - فرائد السمطين، باب 13 - خطیب بغدادی در تاریخش، جلد 8، صفحه 290 (ألست ولیّ المؤمنین؟ قالوا بلی) - مناقب خوارزمی، صفحه 94. مدارک شیعه: ارشاد، صفحه 94 - خصال، جلد 1، صفحه 311 - تلخیص الشافی، جلد 2، صفحه 167 - امالی شیخ طوسی، صفحه 247.

7- 53.. مدارک اهل تسنن: مستدرک صحیحین، جلد 3، صفحه 109 (إنّ الله عزّوجلّ مولای و أنا مولی کلّ مؤمن) - البداية و النهاية، جلد 7، صفحه 386. مدارک شیعه: کمال الدین، جلد 1، صفحه 276 (با اندکی اختلاف در سیاق عبارت) - غیبة نعمانی، صفحه 69 - کشف الغمه، جلد 1، صفحه 318 (أن الله مولای و أنا مولی المؤمنین).

8- 54.. مدارک اهل تسنن: صحیح ترمذی جلد 5، باب 20 (باب مناقب علی بن ابیطالب)، صفحه 633، حدیث شماره 3713 - صحیح ابن ماجه، باب فضائل اصحاب رسول خدا، باب فضائل علی بن ابیطالب، جلد 1، صفحه 43، (حدیث شماره 116) (فهذا ولیّ من أنا مولاه) و جلد 1 صفحه 45 (حدیث شماره 121) - مسند احمد، جلد 4، صفحه 372 و 281 و... - مستدرک صحیحین، جلد 3، صفحه 110 و 109 - خصائص نسائی، صفحه 22 - ابن اثیر در کتاب نهایی، جلد 5، صفحه 228 - تاریخ ابن کثیر، جلد 12، صفحه 219 - صواعق المحرقة، باب 9، حدیث 4، صفحه 122 - بخاری در تاریخ الکبیر، جلد 1، قسم 1، صفحه 375 - التنبیه و الإشراف، صفحه 221 (با این اختلاف که مسعودی واقعه غدیر را پس از بازگشت از صلح حدیبیه نقل می‌کند). مدارک شیعه: اصول کافی، جلد 1، صفحه 295 و 294 و جلد 8، صفحه 27 - ارشاد، صفحه 94 - وسائل الشیعه، جلد 5، صفحه 58 - إعلام الوری، صفحه 139 - تلخیص الشافی، جلد 2، صفحه 167 - أمالی شیخ طوسی، صفحه 227 و 247 و...

تکرار نمودند (1) و فرمودند: «خداوندا، دوست بدار و سرپرستی کن، هر کسی که علی را دوست و سرپرست خود بداند و دشمن بدار هر کسی که او را دشمن می دارد (2) و یاری نما هر کسی که او را یاری می نماید و به حال خود رها کن، هر کس که او را وا می گذارد. (3)»

سپس خطاب به مردم فرمودند: «ای مردم، حاضرین به غایبین (این پیام را) برسانند.» (4)

هنوز جمعیت متفرق نگشته بودند که بار دیگر جبرائیل نازل شد و از جانب خداوند، آیه: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» (5) را بر پیامبر فرو فرستاد. هنگامی که این آیه نازل گردید، نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «الله اکبر بر کامل شدن دین و تمام گشتن نعمت و رضایت پروردگار به رسالت من و ولایت علی پس از من.» (6)

در این موقع، مردم به امیر مؤمنان، امام علی (علیه السلام) تهنیت گفتند. از جمله کسانی که پیشاپیش سایر صحابه، به امام علی تهنیت گفتند، ابوبکر و عمر بودند. عمر پیوسته خطاب به امیر مؤمنان می گفت: «بر تو گوارا باد ای پسر ابیطالب، تو مولای من و مولای هر مرد و زن با ایمان گشتی.» (7)

در این هنگام، حسان بن ثابت که از شعرای زبردست بود از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) اجازه خواست تا آنچه را که در این موقف درباره امام علی (علیه السلام) از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) شنیده است، در ضمن ابیاتی بسراید. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «به برکت الهی، بگو.» حسان، خطاب به بزرگان قریش گفت: «ای بزرگان قریش،

ص: 13

1-55.. مدارک اهل تسنن: تاریخ مدینه دمشق، جلد 42، صفحه 229 و 228 - تذکره خواص الامه، صفحه 29. مدارک شیعه: اصول کافی، جلد 1 صفحه 295 و 294 - أمالی شیخ طوسی، صفحه 247 - کشف الغمّه، جلد 1، صفحه 50.

2-56.. مدارک اهل تسنن: صحیح ابن ماجه، باب فضائل اصحاب رسول خدا، باب فضائل علی بن ابیطالب، جلد 1، صفحه 43، (حدیث شماره 116) - مستدرک صحیحین، جلد 3، صفحه 109 - مسند احمد، جلد 1، صفحه 148 و 149 - مسند احمد، جلد 4، صفحه 281 و 372 و 373 و... - البداية و النهایة، جلد 7، صفحه 386، صواعق المحرقة، باب 9، صفحه 122 (حدیث شماره 4) - خصائص نسائی، صفحه 21 و 23 و... مدارک شیعه: اصول کافی، جلد 1، صفحه 295 و 294 - ارشاد، صفحه 94 - أمالی شیخ طوسی، صفحه 254 و 332 - تلخیص الشافی، جلد 2، صفحه 167.

3-57.. مدارک اهل تسنن: مسند احمد، جلد 1، صفحه 118 و 119 - شواهد التنزیل، جلد 1، صفحه 157 - مجمع الزوائد، جلد 9، صفحه 105. مدارک شیعه: ارشاد، صفحه 94 - خصال، جلد 1، صفحه 66 و جلد 2، صفحه 479 - تلخیص الشافی، جلد 2، صفحه 167.

4-58.. مدارک شیعه: اصول کافی، جلد 1، صفحه 289 - کشف الغمّه، جلد 1، صفحه 50.

5-59.. قسمتی از آیه 3 سوره مائده: «... امروزت که دین شما را کامل نمودم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و دین اسلام را برای شما پسندیدم...»، به غیر از مفسرینی که نام برخی از آنان در پاورقی شماره 21 ذکر شد و شأن نزول این فراز از آیه را واقعه غدیر دانسته اند، مورخین و محدثین گوناگونی نیز شأن نزول این فراز آیه 3 سوره مائده را واقعه غدیر برشمرده اند که به عنوان نمونه در میان مورخین و محدثین اهل سنت می توان به ابن عساکر در کتاب تاریخ مدینه دمشق اشاره نمود. تاریخ مدینه دمشق، جلد 42، صفحه 234 و 233 (3) حدیث از ابوهریره) و صفحه 237 (1 حدیث از ابو سعید خدری).

6-60.. مدارك اهل تسنن: شواهد التنزيل، جلد 1، صفحه 158 و 157 - مناقب خوارزمي، صفحه 80. مدارك شيعه: كمال الدين، جلد 1، صفحه 277 (الله اكبر بتمام التعمه و كمال نبوتى و دين الله عزّ و جلّ و ولاية على بعدى).

7-61.. مدارك اهل تسنن: مسند احمد، جلد 4، صفحه 281 - تاريخ اسلام ذهبى، قسمت عهد خلفا، صفحه 633 (أصبحت و أمسيت مولى كلّ مؤمن و مؤمنة) - ابن اثير در نهايه، جلد 5، صفحه 228 - تاريخ بغداد، جلد 8، صفحه 290 (بخ يخ يا بن ابيطالب، أصبحت مولاى و مولا كلّ مسلم) - البدايه و النهايه، جلد 7، صفحه 386 (هنيئاً لك يا بن ابيطالب، أصبحت اليوم ولىّ كلّ مؤمن) - خطيب خوارزمي در مناقب، صفحه 94 - كنز العمال، جلد 13، صفحه 134 (هنيئاً لك يا بن ابيطالب، أصبحت و أمسيت مولى كلّ مؤمن و مؤمنة). مدارك شيعه: ارشاد، صفحه 94 - إعلام الورى، صفحه 139 - كشف اليقين، صفحه 250.

سخن مرا به گواهی و امضای پیامبر گوش کنید.» و این چنین سرود:

«در روز غدیر پیامبرشان با بانگ بلند ندایشان در داد، غدیری که در سرزمین خم قرار داشت و ای کاش مردم جهان بودند و رسول خدا را در حال ندا می دیدند که می فرمود: آیا من سرپرست و ولی شما نیستم؟

مردم در پاسخ او بدون هیچ پرده پوشی گفتند: معبود تو، مولای ما و تو ولی ما هستی؛ و تو ای خواننده شعر، اگر در آنجا بودی، حتی یک نفر هم مخالف نمی یافتی.

در این هنگام رو به علی بن ابیطالب کرد و فرمود: یا علی، برخیز که من تو را برای امامت و هدایت خلق بعد از خود (و از جانب خداوند) شایسته دیدم.» (1) (2)

آنچه ذکر شد، خلاصه جریان غدیر بود و همانگونه که در پاورقی‌ها، با تفصیل ذکر گردید، علمای بزرگ اهل تسنن و تشیع، آنرا نقل نموده اند. به یاری و توفیق الهی در ادامه و در مقاله‌ای مجزا، به بررسی مفاد حدیث غدیر و دقت هرچه بیشتر در آن خواهیم پرداخت.

ص: 14

1-62.. ینادیهم یوم الغدیر نبیهم بخم فأسمع بالرسول منادياً*** و قال من مولاکم و ولیکم؟ فقالوا ولم یبدوا هناک التعدایا إلهک مولانا وانت ولینا و لن تجدنّ منا لک الیوم عاصیاً*** فقال له قم یا علی فإتنی رضیتک من بعدی اماماً و هادیا

2-63.. مدارک اهل تسنن: تذکرة خواص الامة، صفحه 33 - مناقب خوارزمی صفحه 81 و 80 - فرائد السمطین، جلد 1، سمط 1، باب 12، حدیث 40 و 39، صفحه 75 و 74 و 73 - کفاية الطالب، صفحه 64. مدارک شیعه: ارشاد، صفحه 95 و 94 - إعلام الوری، صفحه 140 و 139 - أمالی صدوق، صفحه 460 (مجلس 84) - خصائص الائمة، صفحه 42.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

